

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	بررسی مفهوم حقوق فرهنگی
۳.....	۱. تعریف مسئله
۴.....	۲. تعریف مفاهیم
۵.....	۳. دلایل بی توجهی به حقوق فرهنگی
۶.....	۴. تفسیر حقوق فرهنگی
۷.....	۴-۱. تفسیر مضیق حقوق فرهنگی
۸.....	۴-۲. تفسیر موسع حقوق فرهنگی
۸.....	۵. مصادیق حقوق فرهنگی
۹.....	۵-۱. تقسیم بندی لیندر ^(۹)
۹.....	۵-۲. تقسیم بندی پروت
۱۰.....	۵-۳. تقسیم بندی فرایبورگ
۱۱.....	۶. تضمین حقوق فرهنگی
۱۳.....	۷. حق تعیین سرنوشت و حقوق فرهنگی
۱۵.....	۸. برنامه ریزی حقوق فرهنگی در ایران
۱۵.....	۸-۱. الگوی توسعه انگارانه
۱۶.....	۸-۲. الگوی دین مدارانه
۱۷.....	۹. حقوق فرهنگی در آینه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۰.....	نتیجه گیری
۲۲.....	پی نوشت ها
۲۳.....	منابع و مآخذ

حقوق فرهنگی (۱) مفهوم شناسی



حقوق فرهنگی (۱) مفهوم‌شناسی

چکیده

حقوق فرهنگی حائز دو معناست: موسع و مضیق. در تفسیر موسع که تا آخرین افق‌های مرتبط با لفظ، جزء معنا تلقی می‌شود، سایر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، جزء حقوق فرهنگی محسوب می‌شود. چنان‌که در تعاریف مصداقی که سه اعلامیه لیندر، پروت و فرایبورگ ارائه کرده‌اند همین معنا مورد نظر بوده است و مصادیق آن با قانون اساسی تطبیق پذیر است.

در تفسیر مضیق همواره قدر متیقن‌ها مورد نظر است و مقصود قواعدی است که مشخصاً واژه فرهنگ در آنها به کار رفته و شامل «مشارکت در زندگی فرهنگی»، «برخورداری از مزایای پیشرفت علمی و کاربرد آن» و «حمایت از منافع مادی و معنوی که در نتیجه اثر علمی، ادبی و هنری فرد به وجود آمده است» می‌باشد.

علیرغم اهمیت فراوان حقوق فرهنگی، پراکندگی قوانین و مقررات، ابهام مفهومی و مصداقی، نگرانی دولت‌ها و ملاحظات ایدئولوژیکی و بودجه‌ای را می‌توان به‌عنوان دلایل نادیده انگاشتن این دسته از حقوق دانست.



مقدمه

گروه‌های گوناگون، هرکدام قطعه‌ای از پازلی را تشکیل می‌دهند که مفهوم جامعه از خلال آنها رخ می‌نماید. هویت، موجودیت هرکدام از این گروه‌ها در همجواری با دیگر گروه‌هاست که معنا می‌یابد. تنظیم روابط اینها، به معنای زیست‌جمعی و مشترکی است که در محدوده دولت - ملت‌های مدرن امروز تحقق می‌یابد.

هر گروه برای خویش به تناسب فرهنگی که براساس آن بالیده، حقوقی را قائل است که اگر به این حقوق، خللی وارد شده و یا اساساً مورد انکار یا تهدید قرار بگیرند، واکنش نشان داده و سبب‌ساز بروز اختلال‌های گوناگون در سطح جامعه می‌شود.

یکی از مهمترین قواعد توصیفی - تجویزی که به سازماندهی اعضای اجتماعی به‌مثابه «تکه‌های پازل»، می‌پردازد، «حقوق فرهنگی» است.

ترسیم قلمرو حقوق فرهنگی، از دشوارترین‌هاست. ذات ابهام‌برانگیز مفاهیمی همگانی از این مفهوم فربه؛ وجود ملاحظات متعدد در به رسمیت شناختن این امر ازسوی دولت‌ها و ... کشیدن مرزهای این گستره را مشکل می‌سازد.

در این نوشتار قصد داریم با نگاهی استقرایی، به روشن ساختن نسبی این موضوع که به دلیل وضعیت دیروز و امروز جمهوری اسلامی ایران نیز اهمیتی دوچندان در جامعه ایران یافته، بپردازیم و گامی در راستای تقویت ادبیات حقوق فرهنگی برداریم.

گزارش‌های حقوق فرهنگی تلاش می‌کند تا مهمترین موضوعات و مفاهیم این عرصه را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. گزارش حاضر از منظر عرفی و موضوعه که عمدتاً در نظام بین‌الملل و نظام‌های غربی رایج است، به مفاهیم این حوزه پرداخته



است و در گزارش‌های بعدی دیدگاه‌های اسلامی نسبت به این حوزه و نیز سایر محورهای حقوق فرهنگی مورد تحقیق و بررسی قرار خواهد گرفت.

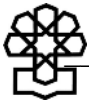
بررسی مفهوم حقوق فرهنگی

۱. تعریف مسئله

حقوق فرهنگی نام یکی از محوری‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین مفاهیم مطرح شده در حوزه مطالعات فرهنگی - حقوقی است که گاه از آن با عناوینی همچون «دسته مورد غفلت واقع شده»^(۱) و یا «دسته توسعه‌نیافته»^(۲) که نام سمیناری در سال ۱۹۹۱ میلادی در دانشگاه فرایبورگ بود نیز، یاد می‌شود.^(۳)

ضرورت پرداختن به حقوق فرهنگی با توجه به شرایط جهانی، منطقه‌ای و داخلی، بیش از پیش چهره نمایانده است. از آنجا که مطابق با اعلامیه‌ها و منشورهای مختلف همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی - سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، احترام به تمام انسان‌ها و فرهنگ‌های برآمده از آنها را، امری لازم برشمرده و چنان که در ادامه این نوشته به آنها اشاره خواهد شد، بر رعایت این مسئله تأکید فراوانی رفته و دیگر اینکه جوامع دارای قومیت‌های گوناگون که دارای فرهنگ‌های گوناگونی نیز بوده و در پی استیفا و اجرای آنها هستند، نیازمند به تبیین این دسته از حقوق بشر می‌باشند، اهمیت روزافزون توجه به حقوق فرهنگی را بر همگان آشکار خواهد ساخت.

روشن ساختن مفهوم حقوق فرهنگی ولو به صورت اجمالی، در شرایط ویژه جامعه



ایران نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. چنان‌که در مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سایر وسایل ارتباط جمعی می‌بینیم، ریشه بسیاری از درگیری‌ها، تعارض‌ها و کشمکش‌های مناطق مختلف کشور بی‌توجهی به حقوق فرهنگی اقوام گوناگون است. نتیجه آنکه می‌توان با تدقیق در این مطلب، گامی در جهت اعتلای فضای صلح و آزادی و آرامش برداشت.

۲. تعریف مفاهیم

پیش از ورود به مبحث حقوق فرهنگی به صورت خاص، باید ابتدا اجزای تشکیل‌دهنده این مفهوم را بازشناسی و واکاوی کرد تا بتوان بر آن مبنای ساختار استوار بنیان گذاشت. «حقوق» و «فرهنگ» دو جزء اصلی تشکیل‌دهنده مفهوم حقوق فرهنگی هستند که اجمالاً به واکاوی معنای آنها می‌پردازیم.

حقوق؛ جمع واژه حق و نیز به معنای راستی‌ها و درستی‌ها، حصّه‌ها و بهره‌ها، وظایف و تکالیف، مواجب و شهریه‌ها و همچنین به معنای سلطنت و تسلط استقلالی یا قراردادی و غیرقراردادی اشخاص است بر اشخاص یا اشیا. به عبارت دیگر در نتیجه قواعد حقوقی و یا قانون برای افراد قدرتی دست می‌دهد که می‌توانند پاره‌ای از امور را از شخص دیگر بخواهند و یا اعمال افعالی در چیزی کنند.^(۴)

و فرهنگ؛ به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم به کار رفته است.^(۵) چنان‌که ملاحظه می‌شود «حق» واژه‌ای است که با مخاطب خویش، تعاملی رفت و برگشتی داشته و در عین اینکه به معنای «حصه و بهره» است حامل معنای «وظیفه و تکلیف» نیز می‌باشد و در نتیجه «حقوق فرهنگی» نیز چنین خواهد بود.



در عین اینکه حقوق فرهنگی، «حصّه و بهره‌ای» برای دارنده آن محسوب می‌شود، وظیفه و تکلیفی نیز برای همان شخص و دیگر اشخاص (که در اینجا بیشتر ناظر بر دولت است) به بار می‌آورد.

در فرانسه با دوگونه دسته‌بندی در این زمینه مواجهیم:

حقوق فرهنگ^(۶)

این حقوق شامل هنرمندان، حمایت از آثار هنری، نهادهای فرهنگی خصوصی یا دولتی، قواعد حاکم بر فعالیت‌های فرهنگی و سیاست‌های فرهنگی است.

حقوق فرهنگی^(۷)

این شاخه از حقوق به آزادی در انجام فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازد. ازسوی دیگر این حقوق شامل حق ملت برای حفظ سنت‌ها و ارزش‌های ملی و مذهبی او می‌شود.^(۸)

۳. دلایل بی‌توجهی به حقوق فرهنگی

بی‌توجهی به حقوق فرهنگی همچنان‌که پیش‌تر ذکر شد، منجر به نامیدن این دسته از حقوق با عناوینی همچون «دسته مورد غفلت واقع شده» یا «دسته توسعه‌نیافته» شده که ناشی از علت‌ها و دلایل متعددی است.

از جمله علت‌های بی‌توجهی به حقوق فرهنگی آن است که این حقوق به‌طور پراکنده در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای الزام‌آور و غیرالزام‌آور گرد آمده و هیچ‌گاه موضوع طبقه‌بندی و معرفی در سندی خاص و جداگانه نبوده است.

دومین علت در این زمینه، ابهام در حقوق فرهنگی است. دامنه این ابهام چنان گسترده و وسیع است که از تعریف و تعیین محدوده این مفهوم تا ذکر مصادیق آن را دربر می‌گیرد.



سومین مؤلفه در بی‌توجهی به حقوق فرهنگی، دلیلی است که بسیار مهم بوده و باید در نوشتارهای گوناگون به آن پرداخته شود و آن عبارت است از:

«نگرانی دولت‌ها»، دولت‌ها همواره ترسیده‌اند که تبیین دقیق حقوق فرهنگی می‌تواند به تشویق گروه‌های اقلیت برای گرایش‌های جدایی‌طلبانه منجر شود و در نتیجه تهدیدی برای تمامیت دولت باشد. زیرا نتیجه منطقی توجه به حقوق فرهنگی درخواست گروه‌ها، قومیت‌ها، اقلیت‌ها و افراد برای اعمال بی‌کم و کاست آن به‌وسیله دولت‌هاست.

۴. تفسیر حقوق فرهنگی

یکی از ویژگی‌های متن، «صامت بودن» آن است. زمانی متن، لب به سخن می‌گشاید که با فرآیند تفسیر به سراغ آن برویم.

عموماً دو گرایش در مواجهه با تفسیر متن رخ می‌نمایند:

الف) تفسیر مضیق،

ب) تفسیر موسع.

در تفسیر مضیق، همواره «قدر متیقن» را در نظر داشته و به حداقل‌ها اکتفا شده و در حقیقت برداشتی «مینی مالیستی» مورد نظر است؛ اما در تفسیر موسع، که تا آخرین افق‌های مرتبط با متن را جزء معنای متن تلقی می‌کنیم، برخوردی حداکثری با متن داشته و رویکردی «ماکسیمالیستی» وجهه همت قرار می‌گیرد.



۱-۴. تفسیر مضیق حقوق فرهنگی

حقوق فرهنگی عرفی یا موضوعه در آینه تفسیر مضیق، مقررات و قواعدی هستند که از اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و میثاقین بوده و واژه «فرهنگ» در آنها به کار رفته است و در سه دسته می‌توان آنها را تقسیم‌بندی کرد:

- ماده (۲۷) اعلامیه جهانی حقوق بشر،

- ماده (۱۵) میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،

- ماده (۲۷) میثاق حقوق مدنی - سیاسی.

واژه «فرهنگ» در ۳ ماده مذکور به این شرح آمده است:

الف) «هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند... و هرکس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود» (ماده (۲۷) اعلامیه جهانی حقوق بشر).

ب) «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی و یا زبانی وجود دارد، افرادی که متعلق به این اقلیت‌ها هستند را نباید از حق تشکیل اجتماعات با اعضای گروه خود و (نیز) بهره‌مندی از فرهنگ و اظهار و انجام (فرائض) مذهبی و یا کاربرد زبان خودشان محروم نمود» (ماده (۲۷) میثاق حقوق مدنی - سیاسی).

ج) «۱. دولت‌های عضو این میثاق حقوق زیر را برای هر فرد به رسمیت می‌شناسند:

- مشارکت در زندگی فرهنگی،

- برخورداری از مزایای پیشرفت‌های علمی و کاربرد آن،

- حمایت از منافع مادی و معنوی که در نتیجه اثر علمی، ادبی و هنری فرد



به وجود آمده است.

۲. اقداماتی که به وسیله دولت‌های عضو برای دستیابی و تحقق کامل این حقوق در این میثاق به عمل خواهد آمد و شامل اقدامات لازم جهت حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ می‌باشد.

۳. دولت‌های عضو این میثاق به منافع حاصل از تشویق و توسعه تماس‌ها و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های فرهنگی و علمی معترف هستند» (ماده (۱۵) میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی).

۲-۴. تفسیر موسع حقوق فرهنگی

حقوق فرهنگی بنابر تفسیر موسع از متون مرتبط، دربرگیرنده سایر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط با فرهنگ است. در این گستره «حق آزادی مذهب»، «حق آزادی بیان»، «حق آموزش و حق تعیین سرنوشت» نیز از جمله حقوق فرهنگی به شمار می‌آیند.

۵. مصادیق حقوق فرهنگی

شاید مهمترین بخش پرداختن به یک مفهوم، معین ساختن مصداق‌های آن مفهوم است. زیرا بدون آنکه مصادیق یک مفهوم معین شود، نمی‌توان آن مفهوم را اجرایی ساخت. مفهوم؛ تصویری است کلی و برای آنکه فراچنگ بیاید باید به تعیین مصداق آن پرداخت. در تعیین مصادیق حقوق فرهنگی، چنان‌که از ذات ابهام‌برانگیز حقوق فرهنگی برمی‌آید، اختلاف نظرها و اختلاف دیدگاه‌های متعددی وجود دارد. ما در این مجال به ذکر سه دیدگاه که از مهمترین و شاخص‌ترین دیدگاه‌ها در این زمینه هستند، می‌پردازیم.

**۵-۱. تقسیم‌بندی لیندر^(۹)**

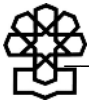
این تقسیم‌بندی در حقیقت گزارشی برای سازمان یونسکو، با عنوان «لیست مقدماتی حقوق فرهنگی» بوده که در سال ۱۹۹۶ تهیه شده است. این تقسیم‌بندی مشتمل بر ۱۵ حق فرهنگی در ۱۱ دسته است:

- حق بقای فیزیکی،
- تشکیل اجتماعات و شناسایی اجتماع فرهنگی،
- هویت فرهنگی،
- برخورداری از میراث مادی و معنوی،
- آزادی مذهبی و عمل به آن،
- آزادی عقیده و بیان،
- انتخاب نوع آموزش و تعلیم آن،
- مشارکت در تواناسازی رویه‌های فرهنگی،
- برخورداری از محیط زیست فرهنگی و فیزیکی،
- توسعه بومی،
- حق مشارکت در زندگی فرهنگی و خلاقیت.

۵-۲. تقسیم‌بندی پروت

این تقسیم‌بندی با عنوان «حقوق فرهنگی» به عنوان حقوق خلق‌ها در حقوق بین‌الملل مشتمل بر ۱۱ حق، تهیه و تدوین شده است:

- آزادی بیان با سایر حقوق تابعه آن همچون آزادی مذهب و اجتماع،
- آموزش،



- حق والدین در انتخاب نوع آموزشی که به فرزندان آنان داده می‌شود،
- مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه،
- حق حمایت از آثار هنری، ادبی و علمی،
- حق بهره‌مند شدن از توسعه فرهنگی،
- حق بر هویت فرهنگی،
- حق خلق‌ها بر عدم تحمیل فرهنگ بیگانه،
- حق بهره‌مند شدن مردم از ثروت فرهنگی، تاریخی و هنری خودشان،
- حق اقلیت‌ها برای مورد احترام واقع شدن به هویت، زبان، سنت و میراث فرهنگی‌شان،
- حق بهره‌برداری مساوی از میراث مشترک بشریت.^(۱۰)

۵-۳. تقسیم‌بندی فرایبورگ

«اعلامیه حقوق فرهنگی فرایبورگ»، مصوب ۷ می ۲۰۰۷ میلادی است که به صورت جامع و اختصاصی به این امر پرداخته و مصادیق دیگری را که پیش از آن در سایر متون بوده را عمیقاً مورد توجه قرار داده است.

مهمترین و بارزترین مصادیق حقوق فرهنگی در این اعلامیه عبارتند از:

- آزادی اطلاعات و ارتباطات و پیش‌شرط‌های ضروری برای حمایت از فرهنگ، مانند آزادی بیان و مذهب،
- حق بر آموزش و همچنین حق والدین در انتخاب نوع آموزشی که به فرزندان‌شان داده می‌شود،
- حق خلاقیت‌های فرهنگی که همان حفظ حقوق مادی و معنوی مؤلف است،

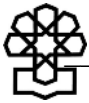


- حق مشارکت در پیشرفت‌های علمی و هنری،
- حق همکاری فرهنگی (در سطوح داخلی و بین‌المللی)،
- حق هویت فرهنگی،
- حق برخورداری از میراث فرهنگی.

چنان‌که مشاهده می‌شود در تعیین مصادیق حقوق فرهنگی، هر سه اعلامیه به تفسیر موسع از حقوق فرهنگی نظر داشته‌اند. به‌عنوان مثال می‌توان از «حق آزادی مذهب و بیان و توابع آن» و «حق مشارکت در زندگی فرهنگی - اجتماعی» به‌عنوان بارزترین حقوق فرهنگی نام برد که در هر سه اعلامیه مذکور، نام برده شده‌اند. اتخاذ راهبرد تفسیر موسع در این زمینه می‌تواند قرینه‌ای بر این امر باشد که تبیین‌کنندگان و حامیان حقوق فرهنگی، به برداشت ماکسیمالیستی (حداکثرگرایانه) و توسعه گستره حقوق فرهنگی در جوامع نظر داشته‌اند.

۶. تضمین حقوق فرهنگی

مهمترین موارد استنادی برای تضمین حقوق فرهنگی در متون مربوط به این حقوق، مواد (۴) و (۱۵) میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. ماده (۱۵) این میثاق به مفهوم تعهد دولت‌ها نسبت به کلیه مصادیق حقوق فرهنگی اشاره داشته و ماده (۴) آن نیز، بر همین موضوع، انگشت تأکید را اشاره رفته است. نکته بسیار مهم در این زمینه آن است که دولت‌ها باید هنگام اعمال اقدامات حمایتی^(۱۱) نوعی تعادل و توازن را در اجرایی ساختن حقوق فرهنگی و تضمین آنها



مورد نظر قرار دهند.

به‌عنوان مثال زمانی که حق آزادی بیان (به‌مثابه یک حق فرهنگی) به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت دولت قرار می‌گیرد، ممکن است اعمال این حق توسط یک اقلیت فکری در جامعه سبب تنش آن عده با اکثریتی شود که موافق آن نظر نیستند و در عین اینکه نمی‌توان «آزادی بیان» آن اقلیت را نادیده گرفت، باید به‌سوی اندیشه کنترل و آرام‌سازی جامعه نیز گام برداشت. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد برای اجرایی ساختن موارد مقرر در ماده (۱۵) میثاق، رهنمودهایی را به‌شرح زیر بیان داشته است:

- اختصاص بودجه برای تشویق توسعه فرهنگی و مشارکت در زندگی فرهنگی برای حمایت از ابتکارات فردی،
- برقراری تأسیسات زیربنایی مانند مراکز فرهنگی، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، تئاترها و سینماها در کارهای دستی، هنری و سنتی،
- اقدام به فعالیت‌هایی در زمینه رسانه‌های جمعی و ارتباطی که به تشویق مشارکت در زندگی فرهنگی، حفظ و اظهار میراث فرهنگی بشری بیانجامد.^(۱۲)
- از بررسی متون گوناگون در ارتباط با حقوق فرهنگی می‌توان به چند اصل کلی در زمینه تضمین حقوق فرهنگی توسط دولت‌ها دست یافت:
- نقش دولت‌ها در تضمین حقوق مدنی - سیاسی سلبی است،
- نقش دولت‌ها در تضمین حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، ایجابی است،
- دولت‌ها همواره باید نسبت به قومیت‌ها، موضع عدم دخالت را اتخاذ کنند. زیرا هرگونه مداخله‌ای سبب حساسیت این قومیت‌ها شده و به سبب تجربه تاریخی،



این‌گونه درک می‌کنند که دولت در تضاد و تعارض با منافع آنان گام برمی‌دارد، دولت‌ها باید نسبت به حمایت از گروه‌ها، موضع حمایت را اتخاذ کنند.

۷. حق تعیین سرنوشت و حقوق فرهنگی

«تمام ملت‌ها حق خودمختاری و تعیین سرنوشت دارند. به واسطه این حق، آنها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین می‌کنند» (ماده (۱) میثاقین).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، ماده (۱) هر دو میثاق، اشاره به حق تعیین سرنوشت دارند. همچنین این حق در مواد (۲۵) و (۲۷) میثاق حقوق مدنی - سیاسی، به‌عنوان بهترین شیوه اداره یک جامعه متکثر به رسمیت شناخته شده است. در رابطه با اینکه مفهوم «حق تعیین سرنوشت» چه نسبتی با حقوق فرهنگی برقرار می‌کند، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است.

«ژانت بلیک» معتقد است، حق تعیین سرنوشت، جزء مصادیق حقوق فرهنگی نمی‌باشد، اما اعمال این حق از باب تضمین حقوق فرهنگی، به‌خصوص نسبت به گروه‌های خاص، ضروری است. وی همچنین معتقد است که حق تعیین سرنوشت، تضمین اساسی برای کلیه حقوق بشر است و لذا زمانی که این حق برای خلقی تضمین نشود، آنان مدعی نقض حقوق بشر، نسبت به خویش می‌باشند.^(۱۳)

اما عقیده ما در این باره دیگر است. می‌توان به «حق تعیین سرنوشت» به‌عنوان مفهومی با ماهیت دوگانه نگریست. «حق تعیین سرنوشت» علاوه بر اینکه تضمین‌کننده حقوق فرهنگی، نسبت به گروه‌های خاص است، از جنبه‌ای دیگر می‌تواند راهکاری



برای اعمال حقوق فرهنگی نیز در نظر گرفته شود.

هنگامی که اقلیت‌ها و گروه‌های خاص، در پی به‌دست آوردن حقوق خاصه خویشند، حق تعیین سرنوشت به‌عنوان پشتوانه‌ای محکم برای استیفای آن حقوق ظاهر می‌شود، اما هنگامی که همین اشخاص حقوقشان را استیفا می‌کنند، در حقیقت از آن پس، «حق تعیین سرنوشت» به‌عنوان چهره‌ای از «حقوق فرهنگی» رخ می‌نمایاند.

چنان‌که در طول این نوشتار آمد، مفهوم حقوق فرهنگی را نمی‌توان در یک یا دو جمله خلاصه کرد و به‌گونه‌ای جامع و مانع آن را مورد تعریف قرار داد، به‌گونه‌ای که تمام ابعاد موضوع در آن گنجانده شود. به‌نظر می‌رسد بهترین راه برای شناسایی حقوق فرهنگی، رجوع به همان مصادیقی باشد که در دسته‌بندی‌های سه‌گانه مورد اشاره قرار گرفت.

البته باید این نکته را نیز همواره مد نظر داشت که «حقوق فرهنگی» در نظر تبیین‌کنندگان این مفهوم از تفسیری موسع بهره‌مند برده است، آنچنان‌که از «حق بقای فیزیکی» تا «توسعه بومی» در زمره حقوق فرهنگی قرار گرفته است.

دیگر نکته مهم آنکه، نگرش به «حقوق فرهنگی» باید به‌صورت منشوروار و چندبعدی باشد، نه اینکه تنها یک بعد نگریسته شده و جنبه‌ای دیگر مغفول بماند. «حق تعیین سرنوشت»، «تضمین حقوق فرهنگی» و... از جمله ابعاد مهم این موضوع به‌شمار می‌آیند.

نیز اتخاذ جایگیری مناسب توسط دولت در رابطه با این موضوع نیز اهمیت فراوانی دارد. مواضع سلبی، ایجابی و عدم مداخله دولت در هریک از موارد تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای که برشمرده شد، از جمله عوامل اجرا و تضمین حقوق فرهنگی خواهد بود.



۸. برنامه‌ریزی حقوق فرهنگی در ایران

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در ایران و استقرار حکومت جمهوری اسلامی در کشور، جامعه ایران همواره با دو الگوی متفاوت روبرو بوده است:

- الگوی توسعه‌انگاران

- الگوی دین‌مداران

۸-۱. الگوی توسعه‌انگاران

برای مدل توسعه‌انگاران می‌توان دو الگوی کلی نام برد:

- الگوی نظری^(۱۴)

- الگوی عملی^(۱۵)

مجموعه اصولی مانند علمگرایی، اجماع نظر نخبگان، هویت مستحکم، فرهنگ اقتصادی غنی، آرایش سیاسی، نظام قانونی، نظام آموزشی پویا و تفکر استقرایی، مجموعه اصولی هستند که مخرج‌مشترک توسعه‌یافتگی را تشکیل داده و تمام جوامع توسعه‌یافته فارغ از اینکه چه نظام ارزشی بر آنها حکومت می‌کند، این اصول را پیاده کرده‌اند.

اما الگوهای عملی توسعه را می‌توان مواردی همچون الگوی سکولاریسم، سودآوری نامحدود، صنعتی شدن نامحدود، دولت‌سالاری، حاکمیت مطلق بخش خصوصی، فردگرایی مطلق، دنیاپرستی و... دانست. آنچه نتیجه مقایسه این دو الگو است، این است که «مبانی فکری» برای توسعه‌یافتگی مشترکند و مردمان جوامع گوناگون نمی‌توانند با آنها سلیقه‌ای برخورد کنند، اما انتخاب الگوهای عملی «بنابه مقتضیات جامعه، صورت خواهد پذیرفت.^(۱۶)



۸-۲. الگوی دین‌مداران

در اصل اول قانون اساسی می‌خوانیم «که ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن ... به تشکیل جمهوری اسلامی مبادرت ورزیده است» و همچنین مجلس شورای اسلامی ملزم است که مصوباتش هیچ‌گونه مغایرتی «با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی نداشته باشد». (اصل هفتاد و دوم قانون اساسی) و مرجع انطباق این قوانین با شرع هم برعهده فقهای شورای نگهبان گذاشته شده است تا جایی‌که مجلس شورای اسلامی «بدون وجود شورای نگهبان» اعتبار قانونی ندارد (اصل نود و سوم قانون اساسی).

علاوه بر قانون اساسی که مهمترین منبع نوشته است، عرف ذهنی جامعه ایرانی نیز دین را در جایگاه والایی می‌نشانند و بی‌گمان هرگونه برنامه‌ریزی در ایران، باید با رعایت این جوانب سنجیده شود.

«منطق دینی، توسعه‌یافتگی از نوع صنعتی، منظم و پیشرفته‌اش را نفی نمی‌کند ولی مهم این است که برداشت از دین چه باشد؟ آیا مجموعه‌ای عقلی است و یا انباشتی از سنن که با سنت‌های احتمالاً غیرمنطقی اجتماعی و تاریخی ممزوج شده باشد. دنیا دوستی و علاقه به تمدن‌سازی مادی، یک بحث ضددینی نیست، ایجاد یک تمدن فرهنگی و تمدن دینی محتاج یک تمدن مادی و دنیوی نیز هست.

توسعه یک تمدن دوبرال دارد، یک بال فرهنگی و یکی بال مادی.^(۱۷)

در نسبت بین دین و توسعه‌یافتگی نباید الگویی از توسعه را برگزینیم که با دین منافای باشد. از سوی دیگر اسلام نیز دینی نیست که بتوان شئون اجتماعی‌اش را حذف کرد و یا نادیده انگاشت.



۹. حقوق فرهنگی در آئینه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مهمترین و جامع‌ترین متن بین‌المللی درباره حقوق فرهنگی؛ «اعلامیه حقوق فرهنگی فرایبورگ» است که در تاریخ ۷ می ۲۰۰۷ به تصویب رسیده و مورد پذیرش واقع شده است. اعلامیه مذکور در ۱۲ ماده و ۴ بخش تنظیم شده است.^(۱۸)

سؤالی که در این بخش به ذهن متبادر می‌گردد این است که آیا مفاهیم مندرج در این اعلامیه می‌توانند جایی در سیستم حقوقی و قانونی جمهوری اسلامی ایران داشته باشند و اصولاً آیا این حقوق فرهنگی دارای حق زیست در جامعه ایرانی می‌باشند یا خیر؟

برای پاسخ به سؤال فوق در این مبحث، به بررسی تطبیقی میان مفاهیم کلیدی مندرج در این اعلامیه و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

بند «۱» از ماده نخست اعلامیه حقوق فرهنگی فرایبورگ بیان می‌دارد:

«این حقوق بدون تبعیض از هر نوع مانند رنگ، جنسیت، سن، زبان، مذهب، عقیده، ملیت یا ریشه قومی و اجتماعی، تولد یا هر موقعیت دیگری که براساس آن یک شخص، هویت فرهنگی‌اش را می‌سازد، تضمین می‌شود».

در همین راستا اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. چنان‌که دیده می‌شود، هر دو قانون به مفهوم عدم تبعیض در بهره‌مندی از حقوق اشاره دارند. در بند «۱» از ماده (۳) اعلامیه می‌خوانیم: «هرکس به تنهایی یا در اجتماع با دیگران حق دارد در پرتو شیوه‌های متفاوت بیان، هویت فرهنگی مورد احترامی داشته باشد و انتخاب کند. این



حق به‌خصوص در ارتباط با آزادی فکر، وجدان، مذهب، عقیده و بیان اجرا می‌شود...» تأکید این ماده بر آزادی «فکر، وجدان، مذهب، عقیده و بیان» است و به‌صورت کلی این حق در اصل بیست‌وسوم قانون اساسی که اشاره «به منع تفتیش عقاید دارد»، ذکر شده است. این اصل بیان می‌دارد:

«تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد».

در آخرین قسمت از بند «۲» ماده (۵) اعلامیه اشاره به «حق حمایت از منافع مادی و معنوی منتج از فعالیت فرهنگی» شده است و ردپای این مفهوم را می‌توان در اصل چهل‌وششم قانون اساسی که بیان می‌دارد «هرکس مالک حاصل کسب‌وکار مشروع خویش است» پی گرفت.

ماده (۶) اعلامیه ناظر به «حق آموزش و تعلیم» است. اصل آموزش و همچنین «آزادی تعلیم دادن و تعلیم گرفتن به زبان خویش یا سایر زبان‌ها» از جمله حقوق فرهنگی افراد برشمرده شده است.

علاوه بر بند «۳» از اصل سوم قانون اساسی که اشاره به «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح» دارد، اصل پانزدهم این قانون نیز تصریح می‌کند که استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.

حق «آزادی ارتباطات و اطلاعات» به مثابه یک حق فرهنگی، جایگاه والایی در قانون اساسی به خود اختصاص داده است:

بند «۲» اصل سوم قانون اساسی می‌گوید: «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در



همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر از جمله وظایف دولت» است. اصل بیست و چهارم قانون اساسی عنوان می‌دارد «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلامی یا حقوق عمومی» باشد. در اصل بیست و پنجم قانون اساسی «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس و سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس را ممنوع ساخته» و اتخاذ هرکدام از آنها را به قانون موکول کرده است.

آخرین بحث در این رابطه به ماده (۱۸) اعلامیه و در موضوع حق مشارکت فرهنگی برمی‌گردد. مفهومی که در ماده (۱۵) میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مشخصاً به آن پرداخته شده بود.

ماده (۱۸) اعلامیه در این رابطه بیان می‌دارد:

«هرکس به تنهایی یا در اجتماع با دیگران بر طبق رویه‌های دموکراتیک، حق مشارکت دارد:

- در توسعه فرهنگی جوامعی که فرد عضو آن است،

- در تواناسازی، اجرا و ارزیابی تصمیماتی که مربوط به شخص است و به اجرای حقوق فرهنگی‌اش تأثیر می‌گذارد،

- در توسعه مشارکت فرهنگی در سطوح متفاوت ...».

حق مشارکت در زندگی فرهنگی و همکاری فرهنگی، از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که در «حقوق فرهنگی» مطرح است. محل قانونی این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند «۸» از اصل سوم این قانون، اندیشیده شده و بیان



شده است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» تمام امکانات و توانمندی خود را به‌کار گرفته و البته چنان‌که پیداست این تعهد از جنس «تعهد به‌وسیله» است.

نتیجه‌گیری

حقوق فرهنگی با نام‌های مستعاری همچون «دسته مورد غفلت واقع شده» و یا «دسته توسعه‌نیافته» یاد می‌شود.

به عبارت دیگر، نمی‌توان تنها از یک منظر به این موضوع نگریست و باید نگرشی منشوروار در این زمینه اتخاذ کرد. وجود فرهنگ‌ها و قومیت‌های گوناگون اقتضا می‌کند که به تبیین حقوق فرهنگی پرداخته شود.

نخستین مواجهه با مفهوم حقوق فرهنگی، ضرورت بررسی دو مؤلفه ساختاری این موضوع، یعنی «حق» و «فرهنگ» را امری لازم و ضروری می‌سازد. معانی گوناگون و مختلف «حق» و «فرهنگ»، به وسعت بخشیدن گستره حقوق فرهنگی، کمک فراوانی می‌کند.

ازسوی دیگر با توجه به این نکته که واژه «حق» به مفهوم «حصّه و بهره» و در عین حال به معنای «وظیفه و تکلیف» می‌باشد، این نکته مستفاد می‌شود که مقوله حقوق فرهنگی، مفهومی «رفت و برگشتی» است.

در گام بعدی باید به این مهم پرداخت که چرا «حقوق فرهنگی» با اهمیت والایی که دارد، تاکنون نادیده انگاشته شده است؟



برای تبیین این امر می‌توان اختصاراً چهار دلیل را برشمرد:

- پراکنده بودن قوانین و مقررات مربوط به حقوق فرهنگی در اسناد گوناگون،
 - ابهام در تعریف و تبیین مصادیق حقوق فرهنگی،
 - نگرانی دولت‌ها از به رسمیت شناختن حقوق فرهنگی به‌ویژه در مواجهه با اقلیت‌ها،
 - ملاحظات گوناگون ایدئولوژیکی، بودجه‌ای و... در مواجهه با حقوق فرهنگی،
- می‌توان از دو رویکرد تفسیری نیز سخن گفت:
- الف) تفسیر مضیق، که بنابر آن همواره قدر متیقن‌ها مورد نظر بوده و مقصود از آن مقررات و قواعدی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین است که واژه «فرهنگ» در آنها به‌کار رفته است.
- ب) تفسیر موسع، که بنابر آن تا آخرین افق‌های مرتبط با متن نیز جزء معنا تلقی شده و برداشتی حداکثری مورد نظر واقع شده و دربرگیرنده سایر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط با فرهنگ است.
- تعیین مصداق حقوق فرهنگی نیز امری دشوار است که در این نوشتار به سه دسته از مهمترین تقسیم‌بندی‌ها در تعیین مصداق حقوق فرهنگی اشاره شد:

- تقسیم‌بندی لیندر،

- تقسیم‌بندی پروت،

- تقسیم‌بندی فرایبورگ.

به‌موجب اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین و اعلامیه‌های مربوط به حقوق فرهنگی، دولت‌ها موظف به تضمین حقوق فرهنگی در محدوده حکمرانی‌شان می‌باشند. از جمله تضمین‌های دولت در این زمینه عبارتند از: اختصاص بودجه،



حمایت از تأسیسات زیربنایی همچون موزه‌ها، کتابخانه‌ها و ... فراهم کردن زمینه مشارکت اشخاص در زندگی فرهنگی و... لازم به‌ذکر است، تعهد دولت‌ها در این زمینه از جنس «تعهد به وسیله» است.

درباره عملیاتی ساختن حقوق فرهنگی در ایران نیز باید به دو الگوی «توسعه‌انگاران» و «دین‌مداران» که پس از وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران پدید آمده است، توجه کرد.

با توجه به بافت جامعه ایران، نمی‌توان هیچ‌یک از این دو الگو را محو و یا کمرنگ ساخت. به‌عنوان مثال برای وصول به این امر نباید در عملیاتی ساختن «توسعه» به ابزارهایی چنگ انداخت که منجر به حذف الگوی «دین‌مداران» در جامعه می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Neglect Category
2. Underdevelopment Category
3. Janus Symonides, "Cultural Right" In International Dimensions of Human Rights. ed by k.vasak. Unesco Publishing Paris, 1996, P.175.
۴. فرهنگ معین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۳۶۴.
۵. همان، ص ۲۵۳۸.
6. Droit de la culture
7. Droit de à culture
8. [http:// saleh.ruhollah.org](http://saleh.ruhollah.org) تاریخ مراجعه: ۱۳۸۸/۱۰/۲۷
9. Lynder V. Prott "Cultural Rights as peoples Rights in International Law" in the Rights of peoples. ed . by J.Carford. Oxford, 1988. P.96-97.
10. "Cultural Rights as Individual Human Rights", Economic Social and



Cultural Rights Law .Ed. By Asbjqrn Eide, Catrina Krause and Allan Rasa .Marinus Nijhof Publisher, Boston.London, 1995, P.232.

11. Protective Function.

12. Cultural Rights as Individual Human Rights”

۱۳. میرمحمدصادقی، مریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، چالش‌های حقوق فرهنگی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲.

14. Teorical

15. Practical

۱۶. سریع‌القلم، محمد، عقل و توسعه‌یافتگی، نشر سفیر، چاپ اول، ۱۳۷۲، صص ۵۰-۵۱.

۱۷. پیشین، ص ۵۵.

۱۸. میرمحمدصادقی، پیشین، ص ۱۴۵.

منابع و مأخذ

۱. میرمحمد صادقی، مریم. چالش‌های حقوق فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

۲. سریع‌القلم، محمود. عقل و توسعه‌یافتگی، نشر سفیر، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۳. فرهنگ معین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.

4. "Cultural Rights as Individual Human Rights", Economic Social and Cultural Rights Law, Ed. By Asbjqrn Eide, Catrina Krause and Allan Rasa, Marinus Nijhof Publisher, Boston, London, 1995.

5. Janus Symonides, "Cultural Right" In International Dimensions of Human Rights, ed by K.vasak, Unesco Publishing Paris, 1996.

6. Lynder V. Prott, "Cultural Rights as peoples Rights in International Law" in the Rights of peoples, ed by. J.Carford, Oxford, 1988.

7. <http://saleh.ruhollah.org>



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۴۸۴

عنوان گزارش: حقوق فرهنگی (۱) مفهوم‌شناسی

نام دفتر: مطالعات مطالعات فرهنگی (گروه هنر، رسانه، میراث فرهنگی و گردشگری)

تهیه و تدوین: سعید رضادوست

ناظر علمی: سیدعلی محسنیان

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. حقوق فرهنگی

۲. حقوق بشر

۳. مصادیق حقوق فرهنگی

۴. تضمین حقوق فرهنگی

۵. برنامه‌ریزی حقوق فرهنگی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۸/۱۵